

ماجرای عشق و عاشقی میدون

طرح گلوله در گالری

• **پوریا عالمی:** به قول حافظ موسوی شاعر، «اینجا خاورمیانه است و ایسن لکنته که از میان خون ما می‌گذرد تاریخ است».

این لکنته باعث لکنت ما می‌شود؛ صدای گلوله در خیابان، صدای ضجه در میدان، صدای موشک بالاسر شهر، رد خونی که جای جاده ایریشم را گرفته است. چکه‌چکه... رد و پوتین نظامی روی برف آغشته به خون در سراسر تاریخ. هراس چکمه. هراس صدای رژه چکمه‌پوش‌ها. مردم پاپتی، مردم شاعر، مردم عاشق‌پیشه، مردم خاورمیانه با دوتار و عود و تنبور به جنگ شمشیر و تیر و درفش رفته‌اند. فرمان ستاره‌دارها به حمله به حلب طلایی در قلب خاورمیانه، عراق، افغانستان، سوریه، مصر، ترکیه و... هرکدام با تاریخی به وسعت تاریخ. با فرهنگ قدیمی ناپ. با سردیس و تندیس‌های چندهزارساله. با قصه‌های هزارویک‌شب‌ی که خواب را از چشم ما بروده است. چطور از این‌همه نقش‌ونگار بر درودیوار و ظرف‌وظروف ظریف پر قصه و تاریخ، نفرت جوانه زده است و حالا میوه‌های این درخت پاکرفته، به خون نشسته است؟ صدای گلوله در گالری. پیای گلوله از زیرگذر به نگارخانه رسیده است. کشیدن نقش خشم، نقش نفرتی که شلیک گلوله هم آرامش نمی‌کند، جای به‌دست‌گرفتن قلم، کلت کوچکی در دست، جای نقش‌بستن روی بوم سفید، روی پیراهن سفید سفیر. نقاش بعد از نقاشی کارش تمام می‌شود و قلم را غلاف می‌کند و بوم را به سینه‌کش دیوار می‌چسباند. این مرد اما بعد از شلیک باید فریاد برزند. چیزی در گلولی اوست که گلوله برای گفتش کفاف نمی‌دهد. چیزی درون این نقش‌ونگار روی دیوارهای قدیمی فرهنگ خاورمیانه است که در گرافیتی‌های روی دیوارهای پایین‌شهری خاورمیانه نیست. خشم، خون، خس، و خس‌خس گلولی مردم اشک‌آور خورده. رنگ‌های طبله‌کرده آبله درد هستند. خاورمیانه درد دارد. پایه‌ماه است؟ او هربار که به درد رسیده، جای چنین، جنگ به دنیا آورده است. این چنین درد این‌بار در رحم تنگ و تاریک نیز با خون‌ریزی جنگ در میان خیابان به دنیا خواهد آمد؟ ناف این زن را مگر با جنگ بریده‌اند؟ به قول حافظ موسوی، اینجا خاورمیانه است و این لکنته که از میان خون ما می‌گذرد پژواک صدای پای گلوله را در ستون طنز روزانه روزنامه‌ای شرقی، تا ابد می‌پیچاند. این هراس مردم از جنگ و این هوس مردم‌ستیزانه جنگ از سر این خاورمیانه، خاور دورمانده از خبرهای خوش، دور باد.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

چهارشنبه ۱ دی ۱۳۹۵ | ۲۱ ربیع‌الاول ۱۴۳۸ | ۲۱ دسامبر ۲۰۱۶ | سال چهاردهم | شماره ۲۷۵۶ | ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۳ | اذان مغرب ۱۷:۱۵ | اذان صبح فردا ۵:۴۱ | طلوع آفتاب ۷:۱۱

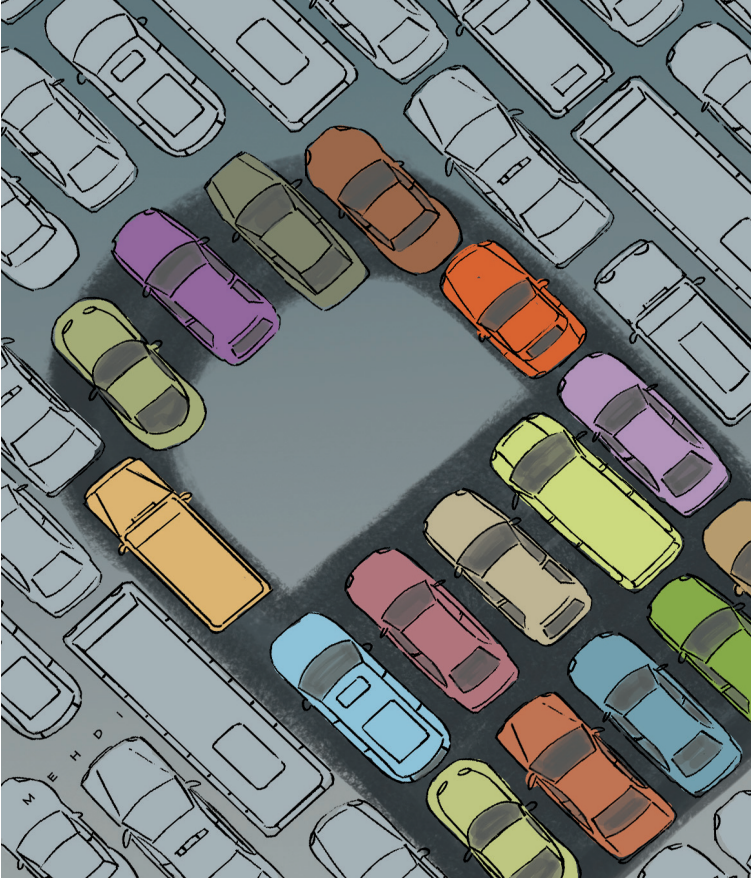
روزانفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی عزیزی

رئیس پلیس راهور تهران از مردم خواست هنگام ترافیک از واژه " قفل " شدن استفاده نکنند



رودردرو

ابراهیم یزدی همواره به منافع ملی توجه داشته است



لطف‌الله میثمی

چند روز پیش بعد از مدت‌ها فرصتی دست داد تا با جمعی از دوستان اصلاح‌طلب به دیدار ابراهیم یزدی برویم تا هم دیداری تازه کنیم و هم اینکه جوای احوال او باشیم. در این دیدار دوستانه، سخن با پرس‌وجو از احوال یزدی آغاز شد و او گفت برای ادامه معالجتش به خارج از ایران می‌رود. من امیدوارم سلامتی‌شان را به دست بیاورند و عمر طولانی داشته باشند. در آن دیدار از رویدادهای سیاسی روز هم سخن به میان آمد که شرحش بماند. به‌واقع نخستین دیدار و معاشرت من با جناب ابراهیم یزدی در روز دوازدهم بهمن‌ماه ۱۳۵۷، روز ورود حضرت امام خمینی (ره) در فرودگاه مهرآباد اتفاق افتاد. پیش‌تر به‌واسطه فعالیت‌های انقلابی با نام ایشان آشنا شده بودم، اما به دلیل اینکه خارج از ایران بود، فرصت دیدار و معاشرت با او به دست نیامده بود تا اینکه آن روز ابراهیم یزدی را همراه با

حسن حبیبی در مراسم استقبال از حضرت امام در مهرآباد دیدم و او مطلع شد من بینایی‌ام را از دست داده‌ام، گریه کرد، پیش‌تر حسن حبیبی را دیده بودم. در فاصله ۱۲ بهمن‌ماه تا ۲۲ بهمن‌ماه، روز پیروزی انقلاب با ایشان در ارتباط بودم و او واسطه شد و فرصت دیدار و ملاقاتی یک‌ساعته هم با حضرت اسام برایم فراهم کرد؛ هرچند کسانی کارشکنی می‌کردند و دنبال آن بودند که نگذارند این ملاقات انجام شود، اما با پیگیری‌های ابراهیم یزدی برایم فرصت دیدار با امام(ره) میسر شد. روزهای بعد از انقلاب هم من به دفتر نخست‌وزیری در دولت موقت مهندس مهدی بازرگان رفتم و آنجا هم با ایشان در ارتباط بودم و گاهی همدیگر را می‌دیدیم. او شخصیتی پرکار و مؤثر در دولت موقت بود و برای خدمت به انقلاب، شب و روز نمی‌شناخت. در مسئولیت وزارت امور

خارجه هم متناسب با فضای انقلابی آن سال‌ها خوب عمل کرد و دانش سیاسی خوبی هم داشت و درمجموع دیپلمات و مدیر برجسته‌ای بودند. او همواره توجه و اهتمام ویژه‌ای به رعایت منافع ملی داشته است و شخصیتی ملی و مذهبی‌ای است که هم به آموزه‌های دین توجه دارد و هم اینکه همواره منافع ملی را در نظر دارد. ایشان از همان روزهای اول انقلاب تا همین روزها وفادار به منافع ملی و ارزش‌های ملی و دینی بوده است. او برخلاف بسیاری از شخصیت‌های سیاسی، بخش مهمی از خاطره‌هایش را مکتوب و منتشر کرده است و تا جایی که من در جریان برخی مسائل بودم، او در روایت خاطره‌هایش، مستند و موثق حرف زده است و من دروغی از او نشنیده‌ام.

واکنش

جنگ شهر به شهر با دست‌فروشان

بایراندن و نادیده‌گرفتن بی‌چیزترین افراد از سطح شهر جرم شده است. زیرا تمام فضاهای زمینی و زیرزمینی و هوایی، به آهنگی بی‌سابقه، در ازای کسب درآمد برای شهرداری به حراج گذاشته شده. کافی است در مناطق شمال شهر قدمی بزنید- اگر اصلا جای قدم‌زدن وجود داشته باشد- تا نمونه‌های فراوان این به‌حراج‌گذاشته‌شدن را به صورت واقعیتهی دردناک ببینید. آیا این برخورد برابر با همه افراد در برابر قانون است، یا فقط برخورد با بی‌چیزان و کم‌درآمدترین‌ها؟ تهران ناامن‌ترین شهر ایران برای عبور کودکان، زنان باردار، سالمندان و معلولان است. چه کسی بیشتر این شهر را ناامن کرده است؟ دست‌فروشان که گاهی موقتا بساط فروش کتاب دست‌دوم یا جوارب را در جایی پهن می‌کنند و همواره آمادگی آن را دارند که بساط کوچک خود را به کول بکشند و از دست مأموران شهرداری فرار کنند؟ یا شهرسازی که به آنها مجوز اشغال دائمی و قانونی معابر داده می‌شود تا با خیال راحت درخت ببرند و دل زمین را بشکافند و پنج طبقه در زیرزمین و ۲۰ طبقه روی زمین بسازند و فضاها و معابر شهر را به میل خود تغییر دهند؟ کاش عزمی، عزمی برای پایان دادن به سد معابر و آزادسازی پیاده‌روها وجود داشته باشد.

نیره توکلی: دست‌فروشان کم‌سرمایه‌ترین و ناچیزترین کسانی‌اند که در چرخ‌دنده اقتصاد بیمار کشور له شده‌اند. آیا باید این زنان و کودکان و افراد ازکارافتاده و بی‌درآمد را از سطح شهر جارو کرد؟ یا باید بخشی از فضاها و معابری را که با دست‌ودلبازی در اختیار برج‌سازان و شهرک‌سازان به صورت دائمی و ابدی، به‌ویژه در شهر تهران و به‌ویژه‌تر در مناطق گران‌قیمت شمال شهر، قرار می‌گیرد، برای کسب‌وکار به آنها اختصاص داد؟ آیا تمام مجوزهایی که برای اشغال پیاده‌روها، آن‌هم در معابر بسیار باریک، در اختیار برج‌سازان قرار داده می‌شود، به معنای مجوز اشغال معابر نیست؟ آیا نظارتی بر پیاده‌روهایی که پس از پایان ساخت‌وساز به صورت ایوان یا رمپ یا باغچه با بخشی از نمای برج‌ها و شهرک‌ها درمی‌آیند وجود دارد؟ آیا اصلا نظارتی بر اینکه بناسست چند سال ساخت‌وسازی طول بکشد وجود دارد؟ اگر پاسخ مثبت است و پراستی شهرداری‌ها عزم جزم کرده‌اند تا پیاده‌روها و گذرگاه‌های تهران و دیگر شهرهای ایران را آزاد کنند، چرا فلان مجتمع تجاری، پیاده‌رو پیش‌تر هموار خیابان سعیدآباد را با پله‌دارکردن و ایجاد رمپ‌هایی با شیب بسیار تند دست‌کاری کرده است. چرا آن مجموعه فرهنگی و مذهبی زعفرانیه طوری پیاده‌رو را جزء نما و باغچه خود کرده‌اند که هیچ عابری نمی‌تواند از آن عبور کند. چرا به ساختمان‌هایی که پیاده‌رو را رمپ ورودی گاراژ خود کرده‌اند پایان کار و سند داده می‌شود. برخورد

سامسونگ

SAMSUNG

پوشش فراگیر، درخشندگی چشمگیر

ماشین ظرفشویی سری
WaterWall
D162



ماشین ظرفشویی جدید سری "WaterWall"، اولین ماشین ظرفشویی با بازوی شستشوی خطی در دنیا است که با پوشش کامل فضای داخلی دستگاه، شستشوی کامل و یکدستی را برای تمام ظروف به ارمغان می‌آورد.

همچنین با امکان تقویت شستشوی موضعی (تکنولوژی ZoneBooster)، ظرفشویی Water Wall قابلیت شستشوی دوگانه دارد. طراحی بی نظیر و سهولت در استفاده از دیگر مزایای این محصول می‌باشند.

فقط با ضمانت
سرویس
۰۲۱-۸۲۵۵

